

شهروندان منطقه ۴ اصول اطفای حریق را یاد می‌گیرند

مساجد، پایگاه امن آموزش‌های ایمنی



● مقدمه آموزش‌های بیشتر

«تقریباً یک سال پیش بود. برای نماز جماعت رفته بودم به مسجد امام حسن (ع). نماز که تمام شد، یک کارشناس از آتش‌نشانی آمد و شروع کرد به گفتن نکاتی که خیلی هایشان را نمی‌دانستم. رعایت کردن نشان کار سختی نبود اما اگر انجام نمی‌دادم، می‌توانست به قیمت سوختن خانه و زندگی‌ام و حتی آسیب جسمی به خودم و خانواده‌ام تمام شود.»

معصومه بیداد، شهروند محله شهید قربانی، آن روز فهمید که یک سه راهی برق در خانه که پشت پرده یا روی فرش، قرار گرفته، منبع خطر است و باید برای مهار جرقه‌های احتمالی آن از عایقی مثل سرامیک یا چوب استفاده کرد. او به حداقل‌هایی که در مسجد یاد گرفت، اکتفا نکرد و با پرس و جواز خانم رحیمی، به دوره آتش‌نشان داوطلب در فرهنگ سرای انقلاب اسلامی راهنمایی شد؛ «نه فقط خودم، بلکه دختر نوجوانم، خواهرم، عروس خواهرم و خواهرزاده‌ام را همراه خودم به فرهنگ‌سرا بردم. همه ما طی حدود دو ماه، سی ساعت دوره نظری و عملی را گذرانیدیم و مدرک آتش‌نشان داوطلب را گرفتیم.»

آرامشی را که از دل دانستن این نکات ایمنی ساده و کاربردی نصیبش شده است، با مادر میان می‌گذرد و آرزو می‌کند همه شهروندان، فارغ از سن، جنسیت و تحصیلات، یاد گرفتن این نکات را جدی بگیرند و فرصت آموختن در مساجد را غنیمت بدانند.

که مربی می‌گوید، باید مغازه را به شاگرد بسپارند یا به کل، در مغازه را ببندند. هر چند این کار، ممکن است به ضرر منفعیت اقتصادی کوتاه مدتشان باشد، آن قدر فهمیم هستند که برای پیشگیری از ضررهای بزرگ‌تر، در مسجد می‌مانند، گوش می‌دهند و فعالانه، سؤال می‌پرسند. برخی از آن‌ها به دنبال تهیه کیسول اطفای حریق می‌افتند و خلاصه، واکنش‌هایی را بروز می‌دهند که خستگی‌ناپذیری برای برگزاری جلسات راز تن بیرون می‌کند. «رحیمی این راهم می‌گوید که بعد از برنامه آموزش اهالی، نوبت بررسی وضعیت ایمنی مسجد براساس یک فهرست چند صفحه‌ای می‌رسد. این کار، با همراهی خادم مسجد و مربی کاربلد دوره انجام می‌شود تا مسجد، به معنای واقعی، محلی امن برای برگزاری دوره‌های آموزشی باشد.»



فرزانه شهامت | خیابان علامه طباطبایی ۲۹، مسجد امام حسن (ع)؛ نماز جماعت مغرب و عشا تمام شده است اما گویا اهالی قصد ترک کردن مسجد را ندارند. حدود هفتاد نفر پای صحبت‌های مَدِرسی نشسته‌اند که لباس منقوش به نشان سازمان آتش‌نشانی را به تن دارند. از سکوت حاکم بر مسجد پیداست آنچه مربی می‌گوید برای اهالی محله تلگردد. تازه است؛ نکاتی که پشت گوش انداختن آن‌ها، می‌تواند به بهای خاکستر شدن مال، سلامتی و جان شهروندان تمام شود.

● واکنش‌های دلگرم‌کننده اهالی

نه فقط این جلسه، بلکه دیگر نشست‌های مشابهی که در مساجد منطقه ۴ در حال برگزاری است، حاصل پیگیری‌هایی است که بخشی از آن را فاطمه رحیمی، عهده‌دار است. او از حدود یک سال پیش، حلقه واسطه بین مرکز آموزش آتش‌نشانی مشهد و شهرداری منطقه ۴ شده است تا هماهنگی‌های لازم بین متولیان مسجد و مربی را انجام دهد. به طوری که اهالی آن محله، حضور حداکثری در برنامه داشته باشند و نکاتی را یاد بگیرند که به نفع خودشان و شهر است. او از استقبال دلگرم‌کننده اهالی منطقه نسبت به آموزش‌های مربی‌گویی و از جلساتی که گاه، به دلیل سؤال‌های پرشمار نمازگزاران از مربی، از یک ساعت عبور می‌کند؛ «برخی مساجد، در خیابان‌هایی قرار دارند که تجاری است. کسبه برای شنیدن نکات ایمنی

آسیب جسمی کاراته‌کار نوجوان، تأثیری در انگیزه ورزشی‌اش نداشته است

رؤیای بازگشت به قهرمانی

امید محله

من در کلاس کاراته هم با تشویق مادرم بود. الان تنها خواسته‌شان این است که مراقب حرکات زانویم باشم.

● فکر می‌کنی بتوانی به دنیای ورزش قهرمانی برگردی؟

بله، مطمئنم که خوب می‌شوم و کاراته را ادامه می‌دهم. من آرزو دارم یک مربی خوب بشوم، باشگاه راه بیندازم و هوای کسانی را داشته باشم که استعداد دارند اما پول ندارند شهریه بدهند.

● اصلی‌ترین مشوق‌هایت چه کسانی هستند؟

خانواده‌ام هوایم را دارند و من را تشویق می‌کنند. با این حال در ورزش، مربی‌ام و انگیزه‌های خودم از همه بیشتر، من را به جلو حرکت می‌دهند.

● این ماه‌ها، جای خالی تمرینات سنگین و حضور در مسابقات کاراته را چطور پر می‌کنی؟

صبح‌ها به مدرسه می‌روم و عاشق درس خواندن هستم. عصرها به کلاس زبان می‌روم و آلان ترم بالا هستم که نیاز به تمرین زیاد دارد. سیاه‌قلم را تازه شروع کرده‌ام و یک روز در هفته کلاس دارم. دو روز در هفته کلاس شنا دارم. ورزش جالبی است و دوست دارم آن را کنار کاراته ادامه بدهم.

● وضعیت درسی‌ات چطور است؟

پارسال، معدل ۱۹،۵۰ شد. امسال تصمیم گرفتم ۲۰ شوم.

● آینده‌ات را چطور می‌بینی؟

خودم را در شرایط خیلی خوبی می‌بینم؛ اینکه درسم را ادامه داده‌ام و در رشته دندان پزشکی قبول شده‌ام. در کنارش، مربی کاراته هستم و باشگاه دارم. در نقاشی هم حرفه‌ای شده‌ام.

● با این حساب، از دنیای کاراته دور شده‌ای.

نه کاملاً. هفته‌ای یک بار می‌روم باشگاه و زیر نظر مربی‌ام، شیپان مرضیه حسینی، تمرین می‌کنم.

● تا الان چه افتخاراتی در کاراته به دست آورده‌ای؟

از سال ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲، هشت مدال قهرمانی استانی و کشوری به دست آوردم.

● واکنش خانواده و اطرافیان به شرایط جسمی و علاقه‌ات به ورزش چطور است؟

خانواده پنج نفره ما با این شرایط آشنا هستند؛ چون خودشان اهل ورزش‌اند. پدرم قبلاً کشتی می‌گرفت و برادر بزرگم هم الان کشتی‌گیر است. برادر کوچکم، ژیمناستیک تمرین کرده است و مادرم قبلاً به کلاس تکیواندو می‌رفت. ثبت نام



شهامت | هر چند آسیب دیدگی باعث شده نوجوان چهارده ساله محله مهر مادر از دنیای مسابقات کاراته، دور بماند اما نتوانسته است از علاقه او به این هنر رزمی، ذره‌ای کم کند. الینا بهاری، دارنده کمربند سبز، که در کارنامه افتخارات ورزشی‌اش، مدال‌های رنگانگ قهرمانی استان و کشور را دارد، روزهای نقاهت را با تمرین‌های ورزشی سبک‌تر و پرداختن به دیگر علاقه‌مندی‌هایش سپری می‌کند. به این امید که هر چه زودتر بهبود پیدا کند و دوباره بتواند روی تاتامی سالن‌های مسابقات افتخار بیافریند.

● از ماجرای آسیب دیدگی‌ات بگو.

دو سال پیش، حین تمرین در باشگاه، زانویم آسیب دید و درد گرفت. متأسفانه توجهی نکردم و با همان وضعیت در مسابقات شرکت کردم.

آنجا هم زانویم به زانو حریف برخورد کرد و درد، شدت گرفت.

یکی دو بار هم در مدرسه، با همان زانو آسیب دیده، زمین خوردم. فعلاً به توصیه دکتر، نباید ورزش سنگین انجام بدهم تا بهتر شوم.

